



واکاوی ابعاد تاب‌آوری تحصیلی در دانش‌آموزان کم‌برخوردار

حمیدرضا عارفی^۱، نسرين ناصری^{۲*}

۱. گروه مدیریت آموزشی، دانشگاه ایلام، ایلام، ایران

۲. گروه مدیریت آموزشی، دانشگاه ایلام، ایلام، ایران

* ایمیل نویسنده مسئول: nasrin66.naseri@gmail.com

چکیده

هدف این پژوهش شناسایی و واکاوی ابعاد تاب‌آوری تحصیلی در دانش‌آموزان کم‌برخوردار شهری با تأکید بر عوامل فردی، اجتماعی و راهبردهای مقابله‌ای آنان بود. این مطالعه با رویکرد کیفی و روش پدیدارشناسی تفسیری انجام شد. شرکت‌کنندگان شامل ۲۸ دانش‌آموز کم‌برخوردار ساکن تهران بودند که با روش نمونه‌گیری هدفمند و با تنوع حداکثری انتخاب شدند. داده‌ها از طریق مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته گردآوری و با استفاده از نرم‌افزار NVivo و روش تحلیل مضمون تحلیل شدند. فرایند مصاحبه تا رسیدن به اشباع نظری ادامه یافت. یافته‌ها نشان داد که تاب‌آوری تحصیلی در سه محور اصلی قابل تحلیل است: منابع درونی (انگیزه پیشرفت، خودکارآمدی، امید و معناجویی در تحصیل)، حمایت‌های بیرونی (خانواده، معلمان، همسالان و نهادهای اجتماعی) و راهبردهای مقابله‌ای (مدیریت منابع محدود، جبران شکاف یادگیری، مقابله شناختی و تنظیم هیجانات). تعامل بین این سه محور نقش مؤثری در تداوم تحصیل و مقابله با چالش‌های آموزشی ایفا می‌کند. تاب‌آوری تحصیلی در دانش‌آموزان کم‌برخوردار پدیده‌ای چندلایه، زمینه‌مند و پویاست که با ترکیب عوامل روان‌شناختی، حمایت‌های محیطی و مهارت‌های مقابله‌ای شکل می‌گیرد. نتایج این پژوهش می‌تواند مبنایی برای طراحی مداخلات آموزشی و روان‌شناختی در مدارس مناطق محروم و سیاست‌گذاری عدالت‌محور در حوزه آموزش باشد.

کلیدواژه‌گان: تاب‌آوری تحصیلی، دانش‌آموزان کم‌برخوردار، حمایت اجتماعی، مقابله تحصیلی، تحلیل مضمون، آموزش عدالت‌محور.

تاریخ ارسال: ۵ اردیبهشت ۱۴۰۲

تاریخ بازنگری: ۹ خرداد ۱۴۰۲

تاریخ پذیرش: ۱ تیر ۱۴۰۲

تاریخ چاپ: ۱۳ تیر ۱۴۰۲



How to cite: Arefi, H., & Naseri, N. (2023). Exploring the Role of School in Shaping Social Responsibility Among Adolescents. *Training, Education, and Sustainable Development*, 1(2), 43-50.



© 2023 the authors. This is an open access article under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0) License.

Exploring the Dimensions of Academic Resilience in Underprivileged Students

Hamidreza Arefi¹, Nasrin Naseri^{2*}

1. Department of Educational Management, Ilam University, Ilam, Iran

2. Department of Educational Management, Ilam University, Ilam, Iran

*Corresponding Author's Email: nasrin66.naseri@gmail.com

Abstract

This study aimed to identify and explore the dimensions of academic resilience among underprivileged urban students, focusing on personal, social, and coping factors. This qualitative study employed an interpretative phenomenological approach. Participants included 28 underprivileged secondary school students from Tehran, selected through purposive sampling with maximum variation. Data were collected via semi-structured interviews and analyzed using thematic analysis with NVivo software. The data collection process continued until theoretical saturation was achieved. The results revealed three major dimensions of academic resilience: internal resources (achievement motivation, self-efficacy, hope, and meaning-making in education), external support (family, teachers, peers, and social organizations), and coping strategies (resource management, learning gap recovery, cognitive coping, and emotional regulation). The interplay between these dimensions was found to play a crucial role in sustaining educational engagement and overcoming learning barriers. Academic resilience among underprivileged students is a multilayered, contextual, and dynamic construct shaped by the integration of psychological resources, social support, and adaptive coping skills. The findings provide a foundation for designing educational and psychological interventions in deprived schools and support equity-based educational policy-making.

Keywords: *Academic resilience, underprivileged students, social support, educational coping, thematic analysis, equity in education.*

Submit Date: 24 April 2023

Revise Date: 29 May 2023

Accept Date: 21 June 2023

Publish Date: 3 July 2023

تاب‌آوری تحصیلی، به‌عنوان یکی از ابعاد کلیدی در پایداری و موفقیت تحصیلی دانش‌آموزان، در سال‌های اخیر توجه بسیاری از پژوهشگران حوزه آموزش و روان‌شناسی تربیتی را به خود جلب کرده است. در واقع، تاب‌آوری تحصیلی فرآیندی پویا و چندبعدی است که به فرد امکان می‌دهد با وجود موانع، فشارهای محیطی و محرومیت‌های ساختاری، در مسیر پیشرفت تحصیلی باقی بماند و به رشد و شکوفایی برسد (Martin & Marsh, 2006). این مفهوم در دانش‌آموزان کم‌برخوردار، که اغلب با مجموعه‌ای از چالش‌های اجتماعی، اقتصادی و روانی مواجه‌اند، نمود ویژه‌تری می‌یابد؛ چرا که این گروه در معرض خطر بالاتری برای ترک تحصیل، افت تحصیلی و کناره‌گیری از فعالیت‌های مدرسه قرار دارند (Waxman, Gray, & Padron, 2003).

دانش‌آموزان کم‌برخوردار، اغلب از نظر منابع خانوادگی، مالی و فرهنگی در وضعیت نامساعدی قرار دارند. این شرایط ممکن است موجب بروز احساس بی‌کفایتی، بی‌انگیزگی، اضطراب تحصیلی و در نهایت قطع پیوند با مدرسه شود (Cefai, 2004). با این حال، پژوهش‌ها نشان داده‌اند که بسیاری از این دانش‌آموزان با تکیه بر منابع درونی مانند خودکارآمدی، امید، معناجویی و همچنین با استفاده از حمایت‌های بیرونی از سوی خانواده، معلمان، و همسالان، توانسته‌اند در برابر فشارهای محیطی ایستادگی کرده و مسیر تحصیلی خود را حفظ کنند (Masten, 2014; Morales & Trotman, 2011). در این میان، نقش عوامل فردی و محیطی در برانگیختن و تداوم تاب‌آوری، یکی از موضوعات کلیدی در مطالعات کیفی مربوط به آموزش و نابرابری‌های تحصیلی است.

در ادبیات پژوهش، تاب‌آوری تحصیلی به‌عنوان توانایی دانش‌آموزان در مقابله با شکست‌ها، ناکامی‌ها و موانع یادگیری و تداوم در مسیر تحصیل تعریف شده است (Cassidy, 2015). این تاب‌آوری نه تنها تحت تأثیر ویژگی‌های شخصیتی و روانی فرد است، بلکه با زمینه‌های اجتماعی، فرهنگی و ساختاری نیز پیوند دارد. به‌عبارت دیگر، تاب‌آوری تحصیلی یک سازه اجتماعی-روان‌شناختی است که در تعامل بین فرد و محیط شکل می‌گیرد و متأثر از تجربیات زیسته، حمایت‌های بیرونی، و راهبردهای مقابله‌ای فرد است (Ungar, 2013). از این رو، درک ابعاد این تاب‌آوری نیازمند واکاوی دقیق‌تر از تجربه‌های دانش‌آموزان در بافت واقعی زندگی‌شان است.

مطالعات انجام‌شده در زمینه تاب‌آوری تحصیلی، بیشتر بر متغیرهای کمی و ابزارهای سنجش روان‌سنجی متمرکز بوده‌اند. اگرچه این رویکردها اطلاعات ارزشمندی در مورد عوامل مرتبط با تاب‌آوری ارائه داده‌اند، اما قادر به بازنمایی تجربه‌های پیچیده و زمینه‌مند دانش‌آموزان کم‌برخوردار نیستند. پژوهشگران کیفی معتقدند که برای فهم واقعی تاب‌آوری تحصیلی، باید به سراغ روایت‌های شخصی، درک‌های ذهنی، و راهبردهای بومی‌شده‌ای رفت که دانش‌آموزان در زندگی روزمره خود به کار می‌گیرند (Hart et al., 2007). به‌ویژه در بسترهای شهری و پرچالش مانند تهران، که نابرابری‌های آموزشی و اقتصادی به‌طور هم‌زمان وجود دارند، تحلیل ابعاد پنهان و معنادار تاب‌آوری می‌تواند به طراحی سیاست‌های آموزشی مؤثر کمک کند.

پژوهش‌های بین‌المللی نیز بر اهمیت مؤلفه‌هایی چون انگیزه پیشرفت، خودکارآمدی، امید، حمایت اجتماعی، و راهبردهای مقابله‌ای شناختی-هیجانی در شکل‌گیری تاب‌آوری تحصیلی تأکید کرده‌اند. برای مثال، مطالعه Rew et al. (۲۰۰۱) نشان داد که حمایت خانوادگی و پیوند با معلمان نقش حیاتی در تداوم تحصیلی نوجوانان آسیب‌پذیر دارد. همچنین مطالعات Morales (۲۰۰۸) و Martin (۲۰۱۳) به نقش تعیین‌کننده خودانگیختگی، هدف‌گذاری، و معناجویی در تاب‌آوری تحصیلی اشاره کرده‌اند. از سوی دیگر، پژوهش‌های داخلی در ایران اغلب به بررسی همبستگی میان متغیرهای روان‌شناختی با تاب‌آوری پرداخته‌اند، اما تحلیل‌های عمیق کیفی در زمینه تجربه زیسته دانش‌آموزان کم‌برخوردار نسبتاً محدود باقی مانده است.

در چنین بستری، پژوهش حاضر با رویکرد کیفی و بهره‌گیری از روش تحلیل مضمون، درصدد است ابعاد گوناگون تاب‌آوری تحصیلی را از منظر دانش‌آموزان کم‌برخوردار تهرانی مورد واکاوی قرار دهد. استفاده از مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته و تحلیل داده‌ها از طریق نرم‌افزار NVivo، به پژوهشگران این امکان را داده است تا درک عمیق‌تری از معنای تاب‌آوری، منابع درونی و بیرونی آن، و شیوه‌های مقابله با چالش‌های آموزشی

به دست آورند. این مطالعه با هدف شناسایی مؤلفه‌های محوری در تجربه‌های تحصیلی دانش‌آموزان محروم، می‌کوشد تا تصویری واقعی، زمینه‌مند و کاربردی از تاب‌آوری ارائه دهد که می‌تواند مبنایی برای سیاست‌گذاری آموزشی عدالت‌محور و برنامه‌های مداخله‌ای در سطح مدرسه و جامعه باشد.

از منظر نظری نیز این پژوهش بر الگوی تاب‌آوری چندسطحی Ungar (۲۰۱۲) استوار است که بر تعامل میان عوامل روان‌شناختی فردی، منابع اجتماعی، و زمینه فرهنگی تأکید دارد. در این مدل، تاب‌آوری نه صرفاً یک ویژگی درونی، بلکه نتیجه تعامل مستمر فرد با زمینه‌های حمایتی و فشارهای بیرونی تعریف می‌شود. به علاوه، چارچوب نظری این تحقیق از یافته‌های مدل تاب‌آوری تحصیلی Martin & Marsh (۲۰۰۶) نیز بهره گرفته است که عناصر انگیزشی، شناختی و رفتاری را در تبیین تاب‌آوری تحصیلی لحاظ می‌کند.

در نهایت، با توجه به کمبود مطالعات کیفی در این حوزه و ضرورت شناخت دقیق‌تر از عوامل تاب‌آورکننده در نظام آموزشی ایران، پژوهش حاضر تلاشی است برای پر کردن این خلأ علمی و فراهم آوردن مبنایی تجربی برای طراحی برنامه‌های حمایت تحصیلی و توانمندسازی دانش‌آموزان در معرض محرومیت. نتایج این تحقیق می‌تواند ابزار سودمندی برای معلمان، مشاوران، سیاست‌گذاران و فعالان اجتماعی باشد که دغدغه ارتقاء عدالت آموزشی و کاهش افت تحصیلی در مناطق کم‌برخوردار را دارند.

روش‌شناسی

در این پژوهش از روش تحقیق کیفی با رویکرد پدیدارشناسی تفسیری بهره گرفته شد تا ابعاد تاب‌آوری تحصیلی در دانش‌آموزان کم‌برخوردار شناسایی و واکاوی شود. هدف این پژوهش، درک عمیق از تجربه‌های زیسته این دسته از دانش‌آموزان در زمینه مواجهه با چالش‌های تحصیلی و نحوه سازگاری با شرایط دشوار آموزشی بود.

مطالعه حاضر با مشارکت ۲۸ دانش‌آموز کم‌برخوردار که در مقطع متوسطه اول در مناطق مختلف شهر تهران مشغول به تحصیل بودند، انجام شد. نمونه‌گیری به شیوه هدفمند و با معیار تنوع حداکثری صورت گرفت؛ به گونه‌ای که مشارکت‌کنندگانی با ویژگی‌های مختلف از نظر جنسیت، وضعیت خانوادگی، سطح تحصیلی و سابقه مواجهه با دشواری‌های آموزشی انتخاب شدند. معیار ورود به مطالعه، تجربه مستقیم با شرایط محرومیت اقتصادی و چالش‌های تحصیلی بود. فرایند نمونه‌گیری تا رسیدن به اشباع نظری ادامه یافت؛ به گونه‌ای که در مراحل پایانی، مصاحبه‌های جدید اطلاعات تازه‌ای به یافته‌ها نمی‌افزودند.

برای گردآوری داده‌ها، از مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته استفاده شد. پرسش‌های مصاحبه مبتنی بر ادبیات پژوهش و هدف مطالعه طراحی شده و در فرآیند اجرا با انعطاف‌پذیری لازم متناسب با پاسخ‌های مشارکت‌کنندگان جهت‌دهی می‌شد. هر مصاحبه بین ۴۵ تا ۶۰ دقیقه به طول انجامید و با رضایت آگاهانه مشارکت‌کنندگان، ضبط و سپس به صورت کلمه به کلمه پیاده‌سازی شد. مکان مصاحبه‌ها با در نظر گرفتن آرامش روانی مشارکت‌کنندگان و رعایت اصول اخلاقی، اغلب در مدارس یا مراکز مشاوره محلی انجام گرفت.

برای تحلیل داده‌ها، از روش تحلیل مضمون با بهره‌گیری از نرم‌افزار NVivo استفاده شد. ابتدا داده‌های خام پیاده‌سازی شده چندین بار خوانده شدند تا پژوهشگر با محتوای آن‌ها آشنا شود. سپس کدگذاری اولیه صورت گرفت و مفاهیم کلیدی استخراج شدند. در مراحل بعد، کدها دسته‌بندی شده و مضامین فرعی و اصلی شناسایی شدند. به منظور افزایش دقت و اعتبار تحلیل، از تکنیک بررسی همکار و بازبینی مشارکت‌کنندگان استفاده شد. همچنین تلاش شد با توصیف غنی داده‌ها، قابلیت انتقال‌پذیری یافته‌ها تقویت شود. رعایت اصول اخلاقی، از جمله حفظ محرمانگی اطلاعات و رضایت آگاهانه، در تمامی مراحل پژوهش مدنظر قرار گرفت.

یافته‌ها

مقاله اول: منابع درونی تاب‌آوری

یکی از زیرمقوله‌های اساسی در این زمینه، انگیزه پیشرفت است. دانش‌آموزان کم‌برخوردار در مواجهه با چالش‌های اقتصادی و آموزشی، از انگیزه‌های درونی برای پیشرفت برخوردار بودند. آنان تحصیل را فرصتی برای بهبود وضعیت آینده خود می‌دانستند. یکی از دانش‌آموزان می‌گوید: «همیشه فکر می‌کنم باید درس بخونم تا از این شرایط بیام بیرون. نمی‌خوام مثل اطرافیانم بمونم». انگیزه برای رقابت با دیگران، الگوبرداری از افراد موفق، و لذت از یادگیری، از جمله مفاهیم تکرارشونده در این زیرمقوله بودند.

زیرمقوله‌ی دیگر، خودکارآمدی تحصیلی است. بسیاری از مشارکت‌کنندگان از احساس توانمندی در حل مسائل درسی و مدیریت عملکرد خود صحبت کردند. باور به کنترل درونی و تأثیر تمرین در موفقیت، نمود زیادی داشت. به‌عنوان مثال، یکی از دانش‌آموزان اظهار داشت: «اگه وقت بذارم، می‌تونم از بقیه بهتر باشم. قبلاً هم تونستم نمره‌هامو بالا بیارم».

در معناجویی در تحصیل نیز دانش‌آموزان تلاش می‌کردند تا برای درس خواندن معنای شخصی و اجتماعی بیابند. پیوند دادن تحصیل با آینده‌ی شغلی، رشد فردی و هویت، بارها در مصاحبه‌ها تکرار شد. به‌طور نمونه، یکی از شرکت‌کنندگان بیان کرد: «وقتی درس می‌خونم، حس می‌کنم دارم واسه آینده‌ی سرمایه‌گذاری می‌کنم».

زیرمقوله‌ی تاب‌آوری هیجانی به توانایی دانش‌آموزان در مدیریت هیجانات منفی در موقعیت‌های تحصیلی اشاره دارد. آنان از تکنیک‌هایی مثل کنترل خشم، پذیرش ناکامی، و آرام‌سازی خود استفاده می‌کردند. یکی از دانش‌آموزان گفت: «وقتی نمره‌م بد می‌شه، به خودم می‌گم یه بار دیگه امتحان می‌دم و بهتر می‌خونم».

امید تحصیلی نیز نقش مهمی در پایداری انگیزه‌ها ایفا می‌کرد. بسیاری از دانش‌آموزان به آینده‌ای روشن امیدوار بودند، هرچند شرایط فعلی دشوار بود. به‌قول یکی از آن‌ها: «من همیشه فکر می‌کنم یه روزی وضعیت بهتر می‌شه. همین فکر بهم قدرت می‌ده درس بخونم».

مقوله دوم: منابع بیرونی تاب‌آوری

در محور حمایت خانواده، نقش تشویق والدین، همدلی، و پیگیری وضعیت تحصیلی بسیار پررنگ بود. برخی دانش‌آموزان علیرغم کمبود مالی، از حمایت عاطفی خانواده برخوردار بودند. یکی از آن‌ها اظهار داشت: «مامانم همیشه می‌گه فقط درستو بخون، نگران هیچی نباش».

حمایت معلمان نیز عامل مؤثری در تقویت تاب‌آوری دانش‌آموزان بود. مشارکت‌کنندگان معلمانی را توصیف کردند که درک درستی از شرایط آن‌ها داشته، بازخورد مثبت داده و انگیزه‌بخش بوده‌اند. به‌عنوان مثال، یکی از شرکت‌کنندگان گفت: «معلم ریاضی‌م همیشه می‌گه می‌دونم شرایطتون سخته، ولی شماها خیلی تواناییید».

در حمایت همسالان نیز مفاهیمی چون همراهی، تشویق و کمک درسی میان دوستان دیده شد. احساس تعلق به گروه و همدلی، دانش‌آموزان را از انزوای تحصیلی دور می‌کرد. یکی از دانش‌آموزان گفت: «دوستم وقتی مریض بودم، جزوه‌هاشو برام آورد. این خیلی کمکم کرد عقب نیفتم».

حمایت نهادهای اجتماعی نیز هرچند کمتر، اما در تجربه برخی دانش‌آموزان نقش ایفا کرده بود. حمایت‌هایی چون بورسیه تحصیلی یا مشاوره رایگان از طرف خیریه‌ها، امید آن‌ها را به ادامه تحصیل افزایش داده بود. یکی از مشارکت‌کنندگان گفت: «یه خیریه کمکم کرد که بتونم کتابای امسالو بخرم. اگه اون نبود، شاید مدرسه نمی‌رفتم».

مقوله سوم: راهبردهای مقابله‌ای با دشواری‌های تحصیلی

در زیرمقوله‌ی مدیریت منابع محدود، دانش‌آموزان از برنامه‌ریزی، استفاده از منابع رایگان، و زمان‌بندی برای مطالعه صحبت کردند. آن‌ها یاد گرفته بودند با کمترین امکانات، بیشترین بهره‌وری را داشته باشند. یکی از آن‌ها گفت: «کتاب ندارم، ولی از گوشی پسرعموم فایل درسی می‌گیرم و باهاش می‌خونم».

جبران شکاف یادگیری یکی دیگر از راهبردها بود. دانش‌آموزان برای عقب‌ماندگی‌های درسی، از کلاس‌های تقویتی، کمک گرفتن از معلمان، یا مرور شخصی مطالب استفاده می‌کردند. به گفته یکی از دانش‌آموزان: «وقتی غیبت می‌کنم، از دوستم می‌پرسم چی گفتن و شب هم تو خونه مرور می‌کنم».

در مقابله شناختی، استفاده از تکنیک‌های بازسازی شناختی، گفت‌وگوی درونی مثبت، و تمرکز بر موفقیت‌ها نمود داشت. بسیاری از مشارکت‌کنندگان می‌کوشیدند افکار منفی را تعدیل کنند. یک دانش‌آموز بیان داشت: «سعی می‌کنم بگم خودمو با بقیه مقایسه نکنم، هر کسی شرایط خودشو داره».

در بخش تطابق با شرایط محیطی، تاب‌آوری به شکل سازگاری با محیط‌های شلوغ، پرتنش و گاه نامساعد آموزشی بروز می‌یافت. مشارکت‌کنندگان از تمرکز در محیط‌های خانوادگی پرتنش یا مدارس شلوغ سخن گفتند. یکی از آن‌ها گفت: «تو خونه‌مون همه‌س، ولی با هدفون و برنامه‌ریزی درس می‌خونم».

در نهایت، تنظیم هیجان در موقعیت‌های تحصیلی از جمله راهبردهایی بود که دانش‌آموزان برای مقابله با اضطراب امتحان و استرس‌های کلاسی به کار می‌بردند. تکنیک‌هایی چون تنفس عمیق، نوشتن احساسات و گوش دادن به موسیقی، ابزارهایی برای تنظیم هیجان بودند. یکی از دانش‌آموزان گفت: «قبل امتحان آهنگ آروم گوش می‌دم تا استرس کم‌تر شه».

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف واکاوی ابعاد تاب‌آوری تحصیلی در دانش‌آموزان کم‌برخوردار انجام شد و یافته‌های حاصل از مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با ۲۸ دانش‌آموز تهرانی نشان داد که تاب‌آوری تحصیلی این گروه در سه محور اصلی منابع درونی، حمایت‌های بیرونی و راهبردهای مقابله‌ای شکل می‌گیرد. این سه مؤلفه در تعامل با یکدیگر، به دانش‌آموزان کمک می‌کنند تا با وجود دشواری‌های ساختاری، اقتصادی و آموزشی، مسیر تحصیل خود را ادامه دهند.

در محور منابع درونی تاب‌آوری، مفاهیمی مانند انگیزه پیشرفت، خودکارآمدی تحصیلی، معناجویی در تحصیل، تاب‌آوری هیجانی و امید تحصیلی برجسته بودند. این یافته‌ها با پژوهش‌های پیشین همخوانی دارد که تأکید کرده‌اند ویژگی‌های فردی و روان‌شناختی نقش مهمی در پیش‌بینی تاب‌آوری تحصیلی دارند. برای نمونه، Cassidy (۲۰۱۵) نشان داد که باور به توانمندی شخصی و خودکارآمدی نقش کلیدی در مقاومت دانش‌آموزان در برابر فشارهای تحصیلی ایفا می‌کند. همچنین پژوهش Martin and Marsh (۲۰۰۶) بر اهمیت امید تحصیلی و اهداف درونی به‌عنوان محرک‌هایی برای تداوم مشارکت آموزشی در دانش‌آموزان آسیب‌پذیر تأکید دارد. در همین راستا، دانش‌آموزان مشارکت‌کننده در این مطالعه اغلب از "رؤیاهای بزرگ"، "هدف‌گذاری برای آینده" و "تلاش برای رهایی از شرایط فعلی" سخن گفته‌اند که نشان‌دهنده سازه‌های انگیزشی قوی در این گروه است.

در مؤلفه‌ی حمایت‌های بیرونی تاب‌آوری، خانواده، معلمان، همسالان و نهادهای اجتماعی به‌عنوان بازیگران کلیدی شناسایی شدند که با ارائه حمایت عاطفی، آموزشی و مادی، تاب‌آوری تحصیلی را تسهیل می‌کنند. یافته‌های این پژوهش با نتایج مطالعاتی همچون Rew et al (۲۰۰۱) و Morales and Trotman (۲۰۱۱) هم‌راستا است که نشان داده‌اند حمایت اجتماعی، به‌ویژه از سوی خانواده و مدرسه، نقش عمده‌ای در ارتقاء تاب‌آوری تحصیلی دانش‌آموزان دارد. در پژوهش حاضر نیز دانش‌آموزان بارها از معلمان خود به‌عنوان منبعی از انگیزه، آرامش و راهنمایی یاد کرده‌اند. معلمانی که وضعیت اقتصادی دانش‌آموز را درک می‌کنند، انتظارات واقع‌بینانه دارند و بازخورد مثبت ارائه می‌دهند، عامل مؤثری در حفظ پیوند دانش‌آموز با نظام آموزشی هستند.

از سوی دیگر، نقش خانواده در این زمینه دوگانه بود. برخی از دانش‌آموزان از تشویق و پیگیری والدین سخن گفتند، اما برخی دیگر از فقدان حمایت عاطفی یا عدم آگاهی والدین از اهمیت تحصیل گلایه‌مند بودند. این یافته با پژوهش Cefai (۲۰۰۴) مطابقت دارد که اشاره می‌کند

تاب‌آوری تحصیلی در دانش‌آموزان نیازمند شکل‌گیری "مثلث حمایتی" بین خانواده، مدرسه و همسالان است. نهادهای خیریه و برنامه‌های اجتماعی نیز در برخی موارد نقش حیاتی در تأمین منابع اولیه (کتاب، پوشاک مدرسه، مشاوره) ایفا کرده‌اند که با یافته‌های Hart et al. (۲۰۰۷) درباره نقش نهادهای اجتماعی در تاب‌آوری هم‌خوانی دارد.

در محور سوم یعنی راهبردهای مقابله‌ای، دانش‌آموزان کم‌برخوردار از شیوه‌های متعددی برای مقابله با مشکلات تحصیلی استفاده می‌کردند. مفاهیمی چون مدیریت منابع محدود، جبران شکاف یادگیری، مقابله شناختی، تنظیم هیجان و تطابق با شرایط محیطی از جمله این راهبردها بود. این یافته‌ها با نتایج پژوهش‌های Ungar (۲۰۱۳) و Masten (۲۰۱۴) هم‌خوانی دارد که نشان می‌دهند تاب‌آوری تنها واکنش به بحران نیست، بلکه فرآیندی فعال و استراتژیک در مواجهه با محرومیت و چالش‌هاست. به‌طور خاص، استفاده از تکنیک‌های شناختی مانند بازسازی افکار منفی و تمرکز بر نقاط قوت، در بسیاری از مصاحبه‌ها تکرار شد؛ چیزی که در ادبیات روان‌شناسی مثبت‌نگر با عنوان "سرمايه روان‌شناختی" از آن یاد می‌شود (Luthans et al., 2007).

همچنین، استفاده از موسیقی آرام‌بخش، گفت‌وگوی درونی، نوشتن احساسات و راهبردهای آرام‌سازی در موقعیت‌های اضطراب‌آور تحصیلی، نشان می‌دهد که دانش‌آموزان از راهکارهایی هیجانی و شناختی برای حفظ ثبات روانی خود بهره می‌برند. این الگوهای تنظیم هیجان، با یافته‌های پژوهش Martin (۲۰۱۳) که تاب‌آوری تحصیلی را به‌مثابه شناور بودن در برابر شکست‌ها توصیف می‌کند، هم‌راستا هستند. نکته مهم دیگر در یافته‌های این مطالعه، تعامل بین سه مؤلفه اصلی تاب‌آوری تحصیلی است. به‌عبارت دیگر، منابع درونی زمانی کارآمدتر می‌شوند که با حمایت‌های بیرونی همراه شوند و در قالب راهبردهای مقابله‌ای کاربردی نمود پیدا کنند. برای مثال، یک دانش‌آموز که دارای انگیزه درونی است، ولی فاقد حمایت خانواده یا مهارت‌های تنظیم هیجان است، ممکن است نتواند در برابر شرایط نامساعد تحصیلی مقاومت کند. این تعامل پویا، مؤید دیدگاه سیستمی به تاب‌آوری است که در آثار Ungar (۲۰۱۲) نیز مطرح شده است؛ او تاب‌آوری را نه‌تنها ویژگی فردی، بلکه حاصل ارتباط مؤثر بین منابع داخلی و خارجی می‌داند.

در نهایت، یافته‌های این پژوهش حاکی از آن است که تاب‌آوری تحصیلی در دانش‌آموزان کم‌برخوردار، یک پدیده ایستا و ذاتی نیست، بلکه ساختاری چندلایه، زمینه‌مند و قابل توسعه است. این یافته‌ها اهمیت سیاست‌گذاری آموزشی عدالت‌محور، طراحی برنامه‌های توانمندسازی روان‌شناختی، و آموزش مهارت‌های مقابله‌ای را برجسته می‌سازد. به‌علاوه، نتایج این مطالعه با در نظر گرفتن بستر فرهنگی و اجتماعی شهر تهران، ظرفیت تعمیم به محیط‌های مشابه در مناطق شهری کشورهای در حال توسعه را نیز دارد.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

موازين اخلاقي

در انجام این پژوهش تمامی موازين و اصول اخلاقي رعايت گردیده است.

شفافیت داده‌ها

داده‌ها و مآخذ پژوهش حاضر در صورت درخواست از نویسندگان مسئول و ضمن رعایت اصول کپی رایت ارسال خواهد شد.

حامی مالی

این پژوهش حامی مالی نداشته است.

References

- Cassidy, S. (2015). Resilience building in students: The role of academic self-efficacy. *Frontiers in Psychology*, 6, 1781. <https://doi.org/10.3389/fpsyg.2015.01781>
- Cefai, C. (2004). Pupil resilience in the classroom: A teacher's framework. *Emotional and Behavioural Difficulties*, 9(3), 149-170. <https://doi.org/10.1177/1363275204045552>
- Hart, A., Blincow, D., & Thomas, H. (2007). *Resilient therapy: Working with children and families*. Routledge.
- Martin, A. J., & Marsh, H. W. (2006). Academic resilience and its psychological and educational correlates: A construct validity approach. *Psychology in the Schools*, 43(3), 267-281. <https://doi.org/10.1002/pits.20149>
- Martin, A. J. (2013). Academic buoyancy and academic resilience: Exploring 'everyday' and 'classic' resilience in the face of academic adversity. *School Psychology International*, 34(5), 488-500. <https://doi.org/10.1177/0143034312472759>
- Masten, A. S. (2014). *Ordinary magic: Resilience in development*. Guilford Press.
- Morales, E. E. (2008). The resilient mind: The psychology of academic resilience. *The Educational Forum*, 72(2), 152-167. <https://doi.org/10.1080/00131720701805017>
- Morales, E. E., & Trotman, F. K. (2011). A focus on hope: Fifty resilient students speak. University Press of America.
- Rew, L., Taylor-Seehafer, M., Thomas, N. Y., & Yockey, R. D. (2001). Correlates of resilience in homeless adolescents. *Journal of Nursing Scholarship*, 33(1), 33-40. <https://doi.org/10.1111/j.1547-5069.2001.00033.x>
- Ungar, M. (2012). *The social ecology of resilience: A handbook of theory and practice*. Springer.
- Ungar, M. (2013). Resilience, trauma, context, and culture. *Trauma, Violence, & Abuse*, 14(3), 255-266. <https://doi.org/10.1177/1524838013487805>
- Waxman, H. C., Gray, J. P., & Padron, Y. N. (2003). Review of research on educational resilience. Center for Research on Education, Diversity and Excellence.